

حسین احمدی^۱

قراباغ با مساحت ۴۳۸۸ کیلومتر مربع در شمال ارس واقع شده است. در زبان روسی به این منطقه ناگورنوکاراباخ^۲ یعنی قراباغ کوهستانی، در جمهوری آذربایجان قراباغ^۳ و آرامنه آرتساخ^۴ گویند. البته آرتساخ آرامنه شامل قراباغ کوهستانی و دشتستانی می شود و کلبجار، فضولی، آقام لاجین^۵ و جبرائیل را در بر می گیرد^۶. نظر به این که بعد از تصرف قراباغ این منطقه- در حال حاضر- توسط ارمنیان یک کشور محسوب می شود بدون دریافت ویزای قراباغ - که آن هم فقط از دفتر کنسولگری قراباغ در ایروان قابل دریافت است - امکان حضور در این منطقه ممکن نیست. پس از حضور چند روزه در ایروان و دریافت ویزا از کنسولگری قراباغ در روز ۱۵ شهریور ۱۳۸۶ از ایروان به سمت قراباغ حرکت کردیم. نظر به این که از راه کلبجار به دلیل موقعیت ویژه امنیتی امکان ورود نبود بناچار به سمت گوریس راه افتادیم. در مسیر ۳۲۰ کیلومتری جاده ایروان - گوریس که در دوره شوروی ساخته شده بود نکاتی جلب توجه می کرد:

- مرزهای ارمنستان - ترکیه در فاصله حدود یک کیلومتری

۱. دکتر حسین احمدی، استادیار دانشگاه آزاد اسلامی- واحد شهرضا.

2. Nagorno Karabkh.

3. Qarabgh.

4. Artesakh.

۵. آرامنه لاجین را بردزور Berd zor می نامند.

۶ جهت اطلاع بیشتر در خصوص جغرافیا و تاریخ منطقه قراباغ نک: میرزا جمال جوانشیر قراباغی، تاریخ قراباغ، به

کوشش حسین احمدی (تهران: انتشارات مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، ۱۳۸۴).

- وجود پایگاه استراق سمع امریکا در ارتفاع ۱۵۰۰ متری دامنه کوه آرات احداث در دوره شوروی.
 - وجود محصولات متنوع کشاورزی با کیفیت بالا شامل هندوانه ، خربزه ، بلال، انگور ، هلو، گوجه فرنگی ، گلابی و ... در دکه های متعدد اطراف جاده.
 - وجود دامهای زیاد در فواصل دور و نزدیک اطراف جاده.
 - تردد گسترده ماشینهای سواری و سنگین ایرانی.
- در منطقه یراسق یعنی سه ستاره^۱ سه راهی نخجوان ، ایروان و قراباغ - که ۱۰۰۰ متر تا مرز نخجوان فاصله دارد - راه به سمت شرق و ارتفاعات برای حضور در قراباغ کج می شود. در سمت جاده ایروان - قراباغ کلیسای نورا وانک^۲ شامل دو کلیسای کوچک و بزرگ در کنار هم قرار دارد. کلیسای اول عمومی و برای نیایش و کلیسای دوم برای مراسم اداری مثل غسل تعمید و امثالهم . در داخل کلیسا بیست قبر وجود داشت که روی چهارده سنگ قبر به زبان ارمنی نوشته هایی وجود داشت. آرامنه تنها مسیحیانی هستند که از سنگ صلیب درست می کنند که به آن خاچکار^۳ گویند؛ به علاوه در تمام کلیساهای ارمنستان سنگ دوف استفاده شده که در میان سایر ملل مسیحی مشاهده نمی شود. این سنگ در هنگام استخراج از معدن بسیار نرم ولی به مرور زمان محکم و محکمتر می شود. در ساعت ۱۵/۱۵ تا ۱۷ برای استراحت و صرف نهار در کنار رودخانه آرپا که در سمت راست جاده قرار دارد در محل به نام یفک ناجور^۴ یعنی دره درختهای شاخه نازک ، توقف کردیم. پس از چند کیلومتر از یفک ناجور در سمت چپ منطقه جرموک^۵ که آب معدنی آن دارای شهرت جهانی است به منطقه ساراوان وارد شدیم که پر برف ترین نقطه ارمنستان است. پس از بیست دقیقه حرکت از یفک ناجور وارد استان سونیک شدیم که جنوبی ترین استان ارمنستان و هم مرز با ایران می باشد. مرکز این

۱. یر در ارمنی یعنی سه و آسق یعنی ستاره.

۲. نورا یعنی جدید و وانک هم یعنی کلیسا.

۳. خاچ یعنی صلیب و کار یعنی سنگ .

۴. یفک یعنی درختان شاخه نازک و اجور هم یعنی دره.

۵. نام قدیمی آن چرمیخ.

استان سیسیان به معنی کوه کوچک^۱ است. در فاصله سه کیلومتری سمت راست جاده فرودگاه گوریس قرار دارد که محل فرود هواپیمای ملخی می باشد. به علاوه دریاچه شنب^۲ در امتداد جاده به وضوح دیده می شود.

گوریس

در ابتدای ورود به هر منطقه یا هر شهر دروازه ای با نمادی از فلز یا سنگ همراه است. گوریس ۵۰/۰۰۰ نفره در حال حاضر جمعیتی حدود ۱۵۰۰۰ نفر دارد. در بالای شهر گوریس و در روستای دق غارهایی که توسط مردم در دل کوهها به صورت انبوه و برای زندگی کنده شده دیده می شود. در این غارها تا پنجاه سال قبل مردم زندگی می کردند. شهر گوریس بر سه راهی ایروان - قراباغ و مرزهای ایران قرار دارد که برای رسیدن به ایران از داخل این شهر باید گذشت ولی برای رسیدن به قراباغ از بالای شهر. پس از ۴۵ دقیقه حرکت از گوریس به دروازه ورودی منطقه آرتساخ رسیدیم که نماد یادبودی از پیروزی رزمندگان ارمنی را در خود داشت. مرز ورودی آرتساخ روستای آقا ونو^۳ می باشد که رودخانه‌ای به همین نام از کنار آن می‌گذرد. پاسگاه مستقر در این روستا وظیفه کنترل پاسپورتها را به عهده دارد^۴ مامورین پاسگاه تذکر دادند که بلافاصله بعد از حضور در استپاناکرت^۵ برگه تردد مخصوص دریافت دارید وگرنه داشتن ویزا برای گشت و گذار کافی نیست. در سمت راست جاده لاجین کلیسای گورگ مقدس - که قدمتی ندارد - وجود دارد. شهر لاجین که کنار جاده قرار دارد بین ده تا دوازده هزار نفر

۱. سیس یعنی کوه و ان یعنی کوچک. این کوه کوچک را در مقابل آزارات قرار می دهند جایگاه آزارات در تفکر ارمنیان به خوبی مشخص و عیان است. کوه بزرگی که تقریباً از هر جای ارمنستان قابل مشاهده است ولی به دلیل عهدنامه Kars در سال ۱۹۲۱ توسط بلشویکها به ترکیه داده شد و در حالی که در چند صد متری خاک ارمنستان واقع شده ولی دسترسی ارمنیان به آن مقدور نیست و باید فقط با حسرت آن را ببینند.

2..shamb

3.Aghavno

۴. ارمنیان نیازی به دریافت ویزای قراباغ ندارند.

۵. stepanakert بعد از تسلط بلشویکهای روسی بر ارمنستان و اخراج داشناکسیون در سال ۱۹۲۱ این شهر را که قبل از آن خان کندی یعنی روستای خان گفته می شد به نام ارمنی کمونیست و رئیس کمون باکواستپان شاهومیان stepan shaumyan استپاناکرت نامیده شد. این شهر در دوران تسلط شوروی استپاناکرت نامیده می شد.

شهروند جمهوری آذربایجان داشته که در حال حاضر ۳۵۰۰ تا ۴۰۰۰ ارمنی در آن زندگی می کنند. سپس برداجور^۱ قرار دارد. تابلونصب شده در این منطقه نشان از فاصله ۴۰ کیلومتری ما با استپاناکرت و ۳۰ کیلومتری از شوشی دارد. جاده قراباغ با هزینه ارمنیان دیاسپورا^۲ - که در سال ۲۰۰۷ بیش از بودجه ارمنستان یعنی یک میلیارد و دوست میلیون دلار را صرف مسائل عمرانی، فرهنگی و آموزشی نموده اند - بسیار بهتر از جاده ایروان بود.

استپاناکرت

در غروب ۱۵ شهریور ۱۳۸۶ از کنار شوشی گذشتیم و به شهر استپاناکرت رسیدیم. به دلیل انتخاب باکو ساهاکیان به ریاست جمهوری قراباغ و حضور میهمانان دولتی و غیر دولتی از اروپا، امریکا اکثر هتلهای بسیار خوب جایی برای اسکان نداشت. خوشبختانه با رسیدن ما جشن هم تمام شده بود و امکان استفاده از بعضی از تسهیلات با خروج میهمانان فراهم شد و توانستیم در هتل حقنار^۳ مستقر شویم. در آغاز جنگهای قراباغ، ساهاکیان در حال تحصیل در مسکو بود و ظاهراً دارای روابط نزدیکی با مقامات روسی بود و در ورود اسلحه های پیشرفته و گوناگون به قراباغ برای مقابله با حاکمیت جمهوری آذربایجان نقش داشت. کابینه دولت قراباغ از نه وزارتخانه شامل خارجه، دفاع، ارتباطات، آموزشی عالی و ... تشکیل شده است. مجلس قراباغ دارای ۳۵ نماینده می باشد. بنا به تاکید مامورین پاسگاه مرزی در ساعت ۱۰/۳۰ صبح روز ۱۶ شهریور به وزارت خارجه قراباغ در خیابان رزمندگان برای گرفتن کاغذ تردد^۴ رفتیم. ظاهراً به دلایل امنیتی اجازه عبور به شهرهای آقدام، جبرائیل، فضولی، کلباجار و شاه بلاغی داده نشد. تعلق

۱. برد یعنی قلعه و اجور یعنی دره.

۲. Diaspora به ارمنیان ساکن در خارج از ارمنستان گفته می شود. در سال ۲۰۰۷ فقط نیروی کار هفتصد هزار نفر ارمنی در روسیه بیش از یک میلیارد و سیصد میلیون دلار وارد ارمنستان کرده اند. ایالات متحده نیز در سال ۲۰۰۷ حدود ۸۴ میلیون دلار کمک بلاعوض به ارمنستان پرداخت کرده است و ۱۷/۵ میلیون دلار هم ارمنیان ساکن اروپا، امریکا و کانادا پرداخت کرده اند.

۳. HaghHar یعنی زیبا.

۴. در روی این کاغذ اسامی نقلی را که امکان بازدید وجود دارد ذکر می شود.

خاطر شدید اینجانب به دیدن آقدام به دلیل آثار بجا مانده از دوران پناه خان، ابراهیم خان و خلیل خان جوانشیر با تقاضای مجدد سودی نبخشید. موزه تاریخ قراباغ در شهر استپاناکرت آثاری جالبی - که شکل مسیحی، ارمنی داشت - در خود جای داده بود. به دانشگاه آرتساخ نیز سری زدیم و با دکتر بالایان رئیس انستیتو تاریخ گفتگو شد. در این دانشگاه ۵۰۰۰ دانشجو در هفت رشته اقتصاد، فیزیک، اوقاف و خیریه^۱، زبان، مهندسی کشاورزی و حقوق درس می خوانند.^۲ نکته جالب توجه در ارمنستان احترام فوق العاده ارمنیان به ایرانیان و پذیرش آسان مسائل علمی توسط دانشگاهیان، از آن جمله این که تا عهدنامه گلستان و ترکمانچای جزئی از ایران بوده اند. در شهر استپاناکرت حضور گردشگران خارجی به ویژه ارمنیان اروپایی و امریکایی - که اکثر میانسال بودند - جلب توجه می کرد. استپاناکرت شهری بسیار تمیز با جمعیت ۶۵۰۰۰ نفر در دوره شوروی ولی در حال حاضر با ۸۰/۰۰۰ نفر جمعیت؛ اما به نظر نمی رسد که بیش از ۵۰/۰۰۰ نفر در آن ساکن باشند.^۳ این شهر در دوره حاکمیت شوروی و جمهوری آذربایجان دارای اکثریت ارمنی بود ولی در جنگهای قراباغ بخش بزرگی از جمعیت این شهر به روسیه، اروپا و امریکا مهاجرت کردند و این خلا جمعیتی را تا حدودی ارمنیان مناطق درگیر با جمهوری آذربایجان در مناطق سرحدی به ویژه روستائیان پر کرده اند. نکته ای که در قراباغ جلب توجه می کرد سکونت ارمنیان اروپایی با انگیزه های معنوی در قراباغ بود. به دلیل حاکمیت جمهوری آذربایجان بر قراباغ زبان ارتباطی آذریها و آرامنه روسی بوده و تمامی مردم قراباغ بر خلاف دیگر مردم ارمنستان بسیار خوب به زبان روسی صحبت می کنند. در ارمنستان و به ویژه قراباغ درآمد کم و همه چیز گران است. کتابهای صد صفحه ای با کاغذ بسیار معمولی بالاتر از ۲۰۰۰ درام^۴ در حدود ۷۰۰۰

۱. رشته تاریخ در زیر مجموعه اوقاف و خیریه است.

۲. مصاحبه با آرتوش تومانیان نماینده مجلس قراباغ.

۳. در دوره اولیه حاکمیت روسیه در خان کندی ۱۵۰ نفر که بیشتر آنها ایرانی بودند در آن زندگی می کردند.

۴. واحد پول ارمنستان درام می باشد که هر درام سه تومان ایران است. در حال حاضر سکه های ۱۰ و ۲۰ و ۵۰، ۱۰۰، ۲۰۰، ۵۰۰ در ارمنستان رایج است که سکه های ۱۰ و ۲۰ به دلیل تورم بالا عملاً از دور خرید و فروش خارج است. اسکناس نیز ۱۰۰، ۲۰۰، ۵۰۰، ۱۰۰۰، ۲۰۰۰، ۵۰۰۰ و ۱۰۰۰۰ درام می باشد که عملاً اسکناسهای ۱۰۰، ۲۰۰ و ۵۰۰ رایج نمی باشد.

تومان می‌باشد. یک آب معدنی کوچک که در ایران ۱۵۰ تومان می‌باشد در ارمنستان ۱۵۰ درام یعنی ۴۵۰ تومان است و حقوق کارمند حداکثر در حدود ۱۰۰ دلار. معمولاً هر خانواده ارمنی در خارج از ارمنستان کسی جهت درآمدزایی دارند و خانواده‌هایی که فاقد کارگر در خارج از کشور هستند به نوعی از کمکهای ارسالی خارجی برخوردارند. بیشتر این کارگران در روسیه اروپا، آمریکا و کانادا هستند.

عسگران^۱

جاده استپاناکرت به سمت آقدام و در کنار رودخانه غرغر^۲ قلعه عسگران واقع شده است، عسگران در قراباغ جایگاه استراتژیک داشت چون محل رفت و آمد به شهرهای تفلیس، گنجه، شیروان و شکی بود. نظر به این که دشمنان پناه خان جوانشیر حاکم شوشی بیشتر در نقاط فوق بودند پناه خان فرصت احداث قلعه را پیدا نکرد. در نتیجه پس از مرگ وی فرزند ابراهیم خلیل خان جوانشیر در سال ۱۲۰۳ق / ۹-۱۷۸۸م در دو طرف رودخانه غرغر دو قلعه مجزا یکی در طرف شرقی و دیگری در طرف غربی با سنگ و آهک احداث کرد^۳. در انتهای دو طرف دیوارهای غربی کنار رودخانه غرغر دو برج واقع شده که فقط از داخل قلعه قابل ورود می‌باشد. هر برج دو طبقه و طبقه دوم برج یک ورودی به ارتفاع ۱/۹۵ متر دارد. در داخل برج چهار اتاقک برای دیده بانی و تیراندازی و دو اتاقک ظاهراً برای شلیک توپهای کوچک دارد. جاده آقدام از وسط قلعه غربی عسگران گذشته و آن را به دو قسمت غربی و شرقی تقسیم کرده است. در قسمت غربی جاده دو دیوار متصل به هم و چهار برج قرار دارد. در ورودی بزرگ از غرب به شکل طاق ۲/۲۰ متر و دارای پنجره ای در اطراف می‌باشد گچ کاری، برق کشی، کانال بخاری و سقف شیروانی حکایت از استفاده از این قلعه در دوره اخیر جنگ قراباغ دارد. قلعه از حیث استراتژیک برای کنترل ورود و خروج از استپاناکرت بسیار مهم می‌باشد. از بین بردن مهتابی، کندن کابلها و شکستن سقف شیروانی حکایت از خرابی گسترده بعد از

1. Askaran

۲. این رودخانه را در جمهوری آذربایجان قارقار و در ارمنستان مرگر گویند.

۳. میرزاجمال جوانشیر قراباغی، ص ۱۲۹ و ۱۲۲، سه رساله درباره قفقاز، به کوشش حسین احمدی (تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۴)، ص ۹۷.

تسلط به این قلعه می‌کند. در ورودی به سمت قلعه با ۱/۹۵ متر و در برج شمال غربی شش سوراخ تعبیه شده برای تیراندازی می‌باشد. دو برج به همین شکل در جنوب غربی و دو برج در جنوب می‌باشد. برج دیگر در شمال در وسط قلعه که در طبقه دوم برج پنج محل تیراندازی که هر محل دارای دو منفذ جداگانه به شکل عمودی دیده می‌شود. کف طبقه دوم برجهای سنگ و ستون و روی ستونها تخته کوبی شده است. منفذی از بالای تمام برجهای برای دریافت نور تعبیه شده است. تپه‌های سمت غرب قلعه عسگران قلیچ باغ، تپه‌های شرق کتوک می‌باشد. قسمتی از دیوارهای قلعه در آن طرف رودخانه غرغر به وسیله پل باریکی در گذشته به هم وصل بوده است در حال حاضر هیچ اثری از این پل وجود ندارد ولی بقایای قلعه در طرف شرقی رودخانه کاملاً مشهود است. با فاصله کوتاهی از قلعه عسگران شهر عسگران قرار دارد که در دوره شوروی ۷۵۰۰ نفر جمعیت داشت ولی در حاضر ۲۰۰۰ نفر در این شهر زندگی می‌کنند. ده بالای عسگران خان آباد^۱ بالاتر از ده، روستای خارامورت^۲ و سپس قریه کاراکلوخ^۳. دو کیلومتر بعد از شهر عسگران در راه آقدام قبرستان گورود در سمت چپ و راست جاده قرار دارد که آرامگاه کوچکی در سمت راست نشانه دفن یکی از بزرگان سیاسی یا مذهبی مسلمان در ازمنه قدیم دارد.

نخجوانیک^۴

بعد از شهر عسگران در سمت راست جاده از کنار پمپ بنزین در فاصله ۸ کیلومتری روستای نخجوانیک قرار دارد. نخ یعنی ابتدا و ایجوان از ایجل گرفته شده یعنی محل فرود. مردمی که از مارتونی^۵ به سمت عسگران می‌رفتند ابتدا در این کاروانسرا توقف می‌کردند. این روستا ۲۵۰ نفر چندین بار بین نیروهای ارمنی و آذری دست به دست گشت در سال ۱۹۹۲ به مدت چهل و یک روز در دست نیروهای جمهوری

- 1..Khanabad
- 2..Khrmort
- 3.Karaghukh
- 4.NaKhjevanik
5. Martouni

آذربایجان بود. در بالای ارتفاعات نخجوانیک با چشم غیر مسلح روستای اختاسار^۱ دیده می شود. فاصله عسگران تا آقدام در حدود شش کیلومتر می باشد که از نخجوانیک به راحتی آقدام قابل رویت است. در این شهر ۸۰/۰۰۰ نفره دوره شوروی حالا فقط سربازان و نیروهای شبه نظامی ارمنی مستقر هستند. برای من که بیشتر در پی آثار و ابنیه تاریخی بودم نرفتن به شهر آقدام به راحتی قابل هضم نبود. در کنار جاده به سمت نخجوانیک خاکریز توپهای ارمنیان مربوط به ۱۵ سال قبل هنوز بر جای مانده بود. سیاستهای قوم گرایانه جمهوری آذربایجان مبنی بر این که هر جا آذری هست باید به کشور آذربایجان ملحق شود دستاویز بسیار خوبی برای ارمنیان در قراباغ است که به دلیل داشتن اکثریت ارمنی در قراباغ به تصرف این منطقه اقدام و آن را جزو کشور ارمنستان بدانند. یک پنجم از خاک ۸۶۶۰۰ کیلومتر مربع جمهوری آذربایجان در تصرف ارمنه است.

خاچن^۲

در راه عسگران - استپاناکرت به سمت شمال منطقه خاچن به مرکزیت کانزاسار قرار دارد که پس از طی مسافت کوتاهی از منطقه عسگران و در جاده خاکی روستای معروف خوجالی^۳ قرار دارد. مردم این روستا کاملاً آذری نشین، قبل از جنگ قراباغ ۷۰۰ تا ۸۰۰ نفر بودند ولی در آغاز جنگ جمعیت این روستا به سه هزار نفر افزایش یافت که تعداد زیادی از این عده از آذریهای مسقطی مستقر در گرجستان بودند. در جنگ قراباغ دو طرف جنگ همدیگر را به کشتار مردم آذری این روستا متهم می کنند. مردم این روستا در سال ۹۲ پس از تصرف توسط نیروهای ارمنی، اخراج شدند و درحال عبور به قتل و عام آنها مبادرت شد. جمهوری آذربایجان معتقد است که این کشتار توسط نیروهای ارمنی صورت گرفته و ارمنیان نیز معتقدند کشتار این مردم پیاده در حال ورود به خاک جمهوری آذربایجان توسط نیروهای جمهوری آذربایجان انجام شده است.

1. Ukhtasar

2..Khachen

۳. امروزه نام این روستا در نقشه ارمنه دیده نمی شود.

فرودگاه قراباغ در سمت چپ جاده و بالای آن روستای نوراگوق^۱ - جایی که هواپیما C-130 ایران که از مسکو عازم تهران بود سقوط کرد - قرار دارد. بالای نوراگوق روستای قشلاق^۲ یا زاغ کاشات^۳ واقع شده که موزه نیکول دومان^۴ از سران دانشناکستیون در همین روستا قرار دارد. یک ایرانی ارمنی مقیم لندن در کنار جاده اصلی و قبل از روستای قشلاق یک هتل مجلل احداث کرده است. بعد از منطقه عسگران وارد دره بسیار زیبای خاچن شدیم. قبل از رود خاچن ده کولاتاک^۵ قرار دارد رود خاچن از کوههای گانزاسار^۶ سر چشمه می گیرد و به رودخانه کر می ریزد. در بالای ارتفاعات در جنوب غربی رودخاچن، قلعه ملیک حسن جلالیان دیده می شود که به دلیل عدم راه ماشین و امکان بازدید به راحتی میسر نیست. بعد از عبور از رود خاچن و پس از طی مسیری راه سمت راست به سمت مارتاکرت^۷ و سمت چپ به سوی گانزاسار می رود در سمت راست جاده روستای هایاد^۸ و سپس روستای آرجاجور^۹ قرار دارد. آرجاجور محل نبردهای شدید بین نیروهای دو طرف ارمنی - آذری در جنگ قراباغ بود که تلفات دو طرف این درگیری به صورت اغراق آمیزی ۲۵۰۰ تا ۵۰۰۰ برآورد شده است. روستای کنار آرجاجور به نام زماکاهوق^{۱۰} و بالاتر از روستای اخیر ده شاه ماسور^{۱۱} قرار دارد.

قبل از کلیسای بزرگ گانزاسار، روستای وانک^{۱۲} قرار دارد این روستا با هزینه‌های دیاسپورا دارای استخر، هتل، رستوران‌ها و کافه‌های پذیرایی می باشد هتل و محل پذیرایی بسیار مجللی در مراحل پایانی ساخت می باشد. چیزی که در این روستا روی در و دیوارها به صورت گسترده و بسیار منظم تا ارتفاع دو متری قرار داشت پلاک ماشینهای

۱. Noragugh نورا یعنی جدید و گوق یعنی ده یا روستا.

2. Ghshlagh .
3. Tsaghkashat
4. Nikol Doman
5. Kolatak
6. Gandzasar.
7. Martakert
8. Hayad.
9. Arjadjor.
10. Tsakahogh
11. Shahmasoun
12. Vank

موجود در قراباغ بود که در دوره شوروی و حاکمیت و جمهوری آذربایجان نمره شده بود و صد البته امروز تمام این ماشینها نمره ارمنی دارند. کلیسای کاتزاسار در نزدیک روستای وانک در انتهای جاده بن بست و در ارتفاع بسیار بلندی قرار دارد. از دو درب شمالی و غربی می توان وارد حیاط بسیار بزرگ کلیسا شد. پس از عبور از یک درب ورودی یک سالن بزرگ محل عبادت قرار دارد که در دو طرف سالن راه پله هایی به سمت بالا که در بالای هر یک از آنها یک اتاقک وجود دارد دیده می شود. در هر کدام از اتاقکها یک پنجره است. در بالای سالن اول ناقوسی قرار دارد و سقف سالن دوم گنبدی بسیار وسیع است. کلیساهای ارمنی علاقه خاصی به استفاده از رنگهای آبی در تزئین دارند درحالی که در روسیه رنگ طلایی مرسوم است. در خارج از دیوارهای کلیسا در سمت چپ جاده سنگ قبرهای قدیمی اوایل قرن ۱۹ و پس از آن وجود دارد؛ ولی در سمت راست جاده سنگ قبرها بیشتر پس از جنگ دوم جهانی تا به امروز دیده می شود. از ده وانک به سمت غرب روستای نارشتار^۱ قرار دارد که از طریق جاده خاکی به سمت کلباجار بیش از سه ساعت مسافت می باشد.

شوشی

در کلیه منابع اصلی فارسی از این قلعه و شهر به عنوان شیشه یا شوشی ذکر کرده اند. در جمهوری آذربایجان از اصطلاح شوشا برای این قلعه و شهر استفاده می شود. در کتیبه های موجود در مسجد گوهریه نیز از کلمه شوشی استفاده شده است. شوشی در سرزمین ملیک شاه نظر ارمنی حاکم واراندا یکی از ملیکهای خمسه قرار داشت. بعد از قتل نادرشاه، پناه خان جوانشیر با حضور در قراباغ ابتدا به ساختن قلعه بیات و سپس قلعه شاه بلاغی (ترنکوت) اقدام کرد. پناه خان برای مقابله با خواتین قدرتمند اطراف با مشورت با ملیک شاه نظر ارمنی به ساخت قلعه شوشی در سال ۱۱۷۰ ق مبادرت کرد. قبل از توجه پناه خان به شوشی در آن جا آبادانی نبود مگر این که اهالی قریه شوش که در طرف شرقی قلعه در چند کیلومتری ساکن بودند از آن جا به عنوان چراگاه دامهای خود استفاده می کردند. پناه خان با کشیدن دیوار و حصار آن جا را پناهگاه خود قرار

داد اما بعد از خراب شدن دیوار و حصار ساخته شده توسط پناه خان پسرش ابراهیم خان جوانشیر در سال ۱۱۹۸ ق در ظرف سه سال حصار قلعه شوشی را تکمیل کرد و بعد از عهد نامه ترکمانچای روسها نیز بعضی جاهای قلعه را استحکام بخشیدند. ارتفاع این دیوارها حدود شش متر و عرض آن سه متر می باشد. دیوارها و قلعه ها عظیم ساخته شده در طرف شمالی پائین شهر شوشی و شمال شرقی آن قرار دارد؛ زیرا از سه طرف جنوب، شرق و مغرب به دلیل سنگهای صخره‌ای، دره های عظیم امکان نفوذ پیاده نظام در حال حاضر وجود ندارد، چه رسد به گذشته های دور. در جنوب شهر شوشی - در محل اتصال جاده شوشی، ایروان - در جاده شوسه به سمت پائین زیر صخره های سنگی عظیم روستای کارین تاک^۱ قرار دارد. در دل این سنگها ابراهیم خلیل خان جوانشیر اطاقهایی درست کرده بود که از طریق یک راه از داخل شهر شوشی که با آهک و سنگ درست شده بود به آنجا رفت و آمد می شد. در هنگام خطر، خان و تعدادی افراد خاص به آنجا می رفتند و چون از تونل غار از داخل شهر شوشی فقط تعدادی اندک با خبر بودند دسترسی به خان غیرممکن بود.^۲ از جنوب شرقی تا شمال شرقی شوشی دره بسیار عمیق با صخره های سنگی بلند دره هونود^۳ قرار دارد که رودی به همین نام در آن جاری می باشد. در آن طرف دره هونود جنگل های وسیع توپخانه قرار دارد که آقا محمدخان قاجار در سال ۱۲۰۹ق در اولین حضور در اطراف شوشی برای فرو ریختن دیوارهای شمال شرقی قلعه به صورت پیوسته آنجا را مورد هدف قرار می داد.

دره قای بلی از جنوب غربی شروع و تا شمال غربی به موازات دیوارها واقع است که در گذشته رودی به همین نام در آن جاری بود. از محل اتصال دو رود قای بلی و هونود رود غرغر درست می شود. پلی در منطقه اتصال این دو رود وجود داشته به اسم مازی گامورج^۴ یعنی پل مو دلیل نامگذاری این بود که اگر دو سرباز در کنار هم

۱. کار یعنی سنگ و تاک هم یعنی زیر.

۲. سه رساله درباره قفقاز

۳. هون در زبان ارمنی یعنی ذغال لخته چون در داخل دره ذغال لخته بیش از همه میوه های جنگلی مشاهده می شود. از کثرت میوه های موجود در جنگلهای قراباغ به راحتی مردم می توانستند در محاصره طولانی بدون داشتن آذوقه زندگی کنند.

۴. مازی یعنی مو و گامورج یعنی پل.

می‌ایستادند امکان عبور نبود. شوشی چهار دروازه داشته که از شمال غربی تا شمال شرقی کشیده شده بود شامل دروازه های ایروان، گنجه، شوشی کند و چهارمین دروازه هم بر روی آن حصار کشیده‌اند.^۱ فاصله میان دروازه ایروان تا دروازه گنجه دیوار قلعه شوشی قرار دارد. در کنار هر کدام از دروازه ها یک برج ساخته شده است. چون دروازه اصلی ورود به شوشی در شمال غربی قرار داشته قلعه بسیار مستحکمی با دو طبقه مجزا - که دارای دریچه های متعدد برای حفاظت و تیراندازی می باشد - دیده می شود در این دروازه جایی برای استراحت سربازان، زندانهای کوچک موقتی برای محبوسین و آخورهایی برای نگه داری اسبها وجود دارد. در مقابل درب ورودی دیوار دو ضلعی بلندی کشیده شده تا درب اصلی ورود از تویپهای مستقیم دشمن در امان باشد. قسمت اول دیوار که از شمال غربی تا به شمال کشیده شده همانند ضلع دوم دارای ۳۳ دریچه برای تیراندازی می باشد. هر کدام از دریچه ها دارای دو منفذ برای قرار گرفتن دو نفر در کنار هم می‌باشد. در آغاز ضلع دوم دیوار که در شمال شوشی به دروازه گنجه وصل می شود یک برج بدون سقف که برای شلیک توپ از آن استفاده می شد قرار دارد. در پایان ضلع دوم نیز یک برج دو طبقه وجود دارد.

در شهر شوشی که در دوره حاکمیت پناه خان ساخته شد و در دوره ابراهیم خلیل خان جوانشیر به بزرگترین شهر قراباغ و پایتخت بی چون و چرای آن تبدیل گشت طبیعتاً اکثریت مردم آن مسلمان و شیعه بودند اما در سال ۱۸۵۵/۱۲۲۱ که میرزا یوسف قراباغی در حال تدوین کتابش تحت عنوان تاریخ صافی بوده اکثریت جمعیت شهر از ارامنه بودند که از مغری، آکولیس^۲، اردوباد، قزانچی، چله برد و جاهای دیگر به آنجا آمده بودند به طوری که در دو قسمت شهر مردم ارمنی و یک قسمت شهر مردم شیعه و مسلمان ساکن بودند. ارامنه در محلات مغریلو^۳، قزانچیلو^۴، الکیسلو^۵، چله برد، دره

۱. میرزا یوسف قراباغی، تاریخ صافی، نسخه چاپ نشده. این نسخه در مراحل پایانی چاپ در موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران قرار دارد.

2. Agulis
3. Meghrilu
4. Qazachilu
5. Agulislu

دباغان، محله پائین و غریبه زندگی می کردند و مردم مسلمان در محلات قورتلر^۱، جلنا، قویلو^۲، چخور^۳، حاجی یوسفلو، مردنیلو، جهودلر، ساعتلو، مامائی و خوجه مرجانلو می زیستند.^۴ در دوره شوروی که وسعت شوشی به ۳۰۰ کیلومربع افزایش یافت، شهر شوشی ۱۳۵۰۰ نفر جمعیت داشت و در روستاهای شوشی نیز ۶۵۰۰ نفر زندگی می کردند که اکثریت جمعیت شهر و روستاهای آن را آذربایها تشکیل می دادند.^۵

با ورود به شهر شوشی تمام ذهنیتهای یک محقق درباره اهمیت این شهر پاک می شود. اگر چند مغازه پراکنده، یک رستوران متوسط، چند مدرسه و یک کلیسای فعال نبود - که انسانهایی در آن حوالی پر می زدند - شوشی را می توان به شهر ارواح تشبیه کرد که با ورود طاعون یا وبا سکنه آن در کمترین زمان ممکن از بین رفته اند. اگر از هنرکده ناگارتی که توسط یک ارمنی مقیم خارج برای آموزش دانش آموزان در تاریخ و زبان ارمنی احداث شده بگذریم در شهر شوشی بعد از جنگ قراباغ ساختمان جدیدی احداث نشده است.^۶ باقی ماندن خرابیها به همان شکل اولیه حکایت از برنامه کلان سیاسی دارد. این شهر در قبل از جنگهای قراباغ اکثریت آذری نشین داشت و به دلیل ارتفاع ۱۸۰۰ تا ۱۴۰۰ متر و موقعیت ویژه استراتژیکی بر شهر استپاناکرت کاملاً اشراف داشت. به همین دلیل به کانون مقاومت در برابر ارمنیان تبدیل شد. خرابیهای گسترده باقی مانده خود حکایت از این ایستادگی دارد. در حال حاضر در این شهر حتی یک آذری هم زندگی نمی کند. آمارهای رسمی حکایت از وجود ۵۰۰۰ ارمنی در این شهر دارد؛ ولی حضور ۴۰۰۰ تا ۳۵۰۰ نفر در این شهر پیش بینی می شود.

از جمعیت ۲۵۰۰ نفره ارمنی شهر شوشی در قبل از جنگهای قراباغ فقط ۳۰۰ تا ۴۰۰ نفر بعد از تصرف شوشی به این شهر بازگشته اند و مابقی به استپاناکرت و سایر شهرهای

1. Qurtlar
2. Quilogh
3. Chokhur

۴. میرزا یوسف قراباغی. نسخه چاپ نشده.

۵. سه رساله درباره قفقاز، ص ۲۴.

۶. ملوکوم بیگ یکی از بستگان نسبی میرزا ملکم خان ناظم الدوله که مقیم بلزیک است در جاده ایروان - شوشی از سمت بالا منزل مجللی ساخته که در فصول گرم سال در آن حضور دارد. وی از افراد تاثیر گذار در جریان قراباغ در میان ارمنیان محسوب می شود.

ارمنستان یا روسیه مهاجرت کرده اند. عموم مردم ارمنی ساکن در شهر در آپارتمانهای بزرگ اسکان دارند؛ ولی بعضی در فواصل دورتر به صورت غیر مجتمع هم زندگی می‌کنند. در این میان خانه‌های بسیاری به حال خود رها شده و کسی در آنها ساکن نیست؛ اما مثل همه شهرهای ارمنستان آثاری از نا امنی در آن به چشم نمی‌خورد. در شوشی چهار مدرسه ده کلاسه وجود دارد که تعداد دانش آموزان اول تا چهارم بیشتر است. به عبارت بهتر هرچه کلاسها به بالاتر می‌رود تعداد دانش آموزان کلاسها کم می‌شود تا جایی که در بعضی از کلاسها در سطوح دبیرستان یک تا دو نفر وجود دارد. با توجه به ترکیب بالای دانش آموزان دبستان می‌توان جمعیت ساکن در شوشی را بسیار جوان ارزیابی کرد.

اگر دانش آموزان هر کلاس را حدود ۲۰ نفر بگیریم حداکثر دانش آموزان در این مدارس ۸۰۰ نفر است. در همین مدارس بعد از ظهرها تا ساعت ۱۸ کلاسهای تعلیم عکاسی و موزیک برای دانش آموزان علاقمند دایر است که معلمان این کلاسها از شهر استپاناکرات به این شهر می‌آیند. در شوشی قبل از جنگ دانشگاهی به نام خلق بود که در رشته‌های روزنامه نگاری، تاریخ و حقوق دانشجو داشت بعد از جنگ دانشگاه به شکل خصوصی بازگشایی شد ولی به دلیل توانایی مالی بسیار پائین مردم و شهریه‌های سنگین دریافتی همه دانشجویان بناچار به دانشگاه آرتساخ در استپاناکرات رفتند.

بر خلاف دشمنی شدید امروز دو قوم آذری و ارمنی در قفقاز با یکدیگر، در گذشته‌های دور نوعی تعامل و همکاری گسترده بین بخشی از ارمنیان با ابراهیم خلیل جوانشیر وجود داشت. از میان ملیک‌های خمسه موجود در قراباغ ملیک شاه نظر نه تنها با پناه خان و ابراهیم خان همکاری کرد که حتی بر خلاف آداب مذهبی ارمنیان دختر خود حوری زاد را به عقد ابراهیم خلیل خان جوانشیر درآورد که منجر به اختلاف و دو دستیگی میان ارمنیان و صف آرائی علیه همدیگر شد در نتیجه ملیک میرزاخان حاکم خاچن نیز با ملیک شاه نظر علیه سه ملیک دیگر متحد شدند. طبیعتاً چون ملیک شاه نظر پشتیبان بزرگی به نام ابراهیم خان داشت ملیکهای دیگر توفیقی پیدا نکردند و هر روز نسبت به روز گذشته ضعیف و ضعیف تر شدند. از جمله ملیکهای ارمنی که در حفظ قدرت ایران در منطقه قفقاز تلاش بسیاری داشت ملیک مجنون چله بردی بود. وی در محاصره شوشی درکنار آقا محمدخان قرار داشت و بعد از این که بار اول آقا محمدخان

در محاصره شوشی به نتیجه نرسید و قصد بازگشت داشت ملیک مجنون در ترغیب آقا محمدخان برای تصرف تفلیس نقش اساسی داشت و نظر به سابقه عداوت ارمنیان و گرجیها همو بود که در صدمات وارده به مردم و شهر تفلیس نقش اصلی را بازی کرد و قرار بر این بود که ملیک مجنون حاکم گرجستان شود اما شورشهای جنوب ایران منجر به بازگشت آقا محمدخان به تهران شد. ملیک مجنون در راستای همین ایران گرایی با بزرگترین خان ایران دوست قفقاز یعنی جوادخان گنجه ای زیاد اغلی قاجار روابط تنگاتنگی پیدا کرد و در اثر فشار ابراهیم خلیل خان جوانشیر قراباغی با هزار خانواده ارمنی به گنجه مهاجرت کرد و جوادخان از آنها استقبال شایانی به عمل آورد و ضمن استقرار آنها در شامشاری، اداره امور ارمنیان را به خود آنها واگذار کرد. ملیک مجنون اعتقاد داشت که ارمنیان به وسیله پادشاهان ایران - و نه سلاطین روس - توانسته اند به حفظ خصوصیات سنتی و قومی خود بپردازند. به همین دلیل حداکثر همکاری را با جوادخان گنجه ای ترک زبان در جهت تثبیت اوضاع قفقاز به نفع تهران به عمل می آورد و این دو تا پای جان در مقابل روسها و بعضی از خوانین منطقه که در تضعیف حاکمیت ایران در منطقه می کوشیدند ایستادگی کردند. ملیک مجنون پس از سه ماه از محاصره گنجه توسط سپاهیان هراکلیوس حاکم گرجستان، ابراهیم خلیل خان جوانشیر حاکم شوشی، عمرخان حاکم آوار و بعضی ملیک های ارمنی توسط یک هم قوم ارمنی خود به نام آپترس آقا - که به داخل قلعه نفوذ کرده بود - زخمی و پس از سه روز درگذشت. جوادخان گنجه ای ترک زبان شیعه مذهب هم در حالی که می دانست در مقابل نیروهای روسی به فرماندهی سسیانوف جان سالم بدر نخواهد برد با وجود تهدید و تطمیع های فرمانده روسی به ایران وفادار ماند و مردانه در مقابل روسها ایستاد و جان خود و بعضی از افراد خانواده اش را در این راه از دست داد. در حالی می توانست مثل بسیاری از خوانین دیگر با کنار آمدن با روسها قدرت، جان خود و خانواده اش را حفظ کند. کسانی مثل ابراهیم خلیل جوانشیر ترک زبان که فریب وعده های توخالی روسها مبنی بر حفظ قدرت در خاندانشان را خورده بود هنگامی که فهمید فریب خورده در راه تسلیم به نیروهای

عباس میرزا قاجار به همراه نزدیک به بیست نفر از اعضای خانواده شان توسط رونسها قتل و عام شدند.^۱

مسجد جامع گوهریه

مسجد جامعی به نام گوهریه در میدان اصلی شهر شوشی قرار دارد. در دوره پناه خان (۱۱۶۹ قمری) ساخته شده است. در سال ۱۱۸۲ ق/ ۱۷۶۸ م به وسیله ابراهیم خلیل خان جوانشیر تعمیر شد. سپس در سال ۱۸۲۵/۱۲۶۹ از طرف گوهر آغا دختر ابراهیم خلیل خان تجدید عمارت و تعمیرات اساسی شد.^۲ از چهارده فرزند ابراهیم خلیل خان دو نفر دختر بودند که یکی عزت بیگم معروف به آغاباجی زن فتحعلی شاه قاجار بود که در سال ۱۲۴۸ ق/ ۱۸۳۲ م در قم درگذشت و دیگری گوهر آغا که مادرش از نجبای گرجستان بود. گوهر آغا زنی پاکدامن، پرهیزکار و دارای ثروت فراوانی بود. گوهر آغا -- که فرزندی نداشت -- با تعمیر و ساخت دو مسجد و دو مدرسه دینی از خود نام به نیکی به یادگار گذاشت.^۳ از کتیبه فارسی بزرگ داخل مسجد -- دارای هفده خط و هر خط آن بیش از بیست کلمه دارد -- دکانها، روستاها و نقاطی را که درآمد آنها وقف این مسجد شده می توان فهمید:

سه^۴ مسجد مدرستین گوهریه واقعه در قلعه شوشی .

تمامی یازده باب دکاکین معینه واقعه در جنوب مسجد پائین به یک قطار و یک طرف به حیاط مسجد و از یک طرف منتهی به میدان قیان

و تمامی شش دانگ قریه مقصودلو من محال جوانشیر محدوده به قراقوزای و شرقیاً از گلین خانملو و یک سمت قوزانلو کدوری یوزباشی و مخدرا بالای آق کاریز الی یطاقچی و می آید الی یدی کوز و جنوباً به شاه بلاغی ترنکوت و سرحدکوگ ها تیه و

۱. میرزا جمال جوانشیر قراباغی، ص ۴۰-۲۵.

۲. سه رساله درباره قفقاز، ص ۹۶؛ میرزا جلال جوانشیر قراباغی، ص ۱۳۹. کتیبه ای فارسی نصب شده در جلوی مسجد نشان می دهد که این مسجد در سال ۱۲۶۹ ق توسط گوهر آغا تعمیر شده است.

۳. سه رساله درباره قفقاز، ص ۲۹-۲۸.

۴. سه کلمه خوانده نشد.

مخدرا الی گلین خانملو و شمالاً به رودخانه چین از قراقوزای مخدرا الی باغ بولچی بالای باغ تولی و از آنجای در کدروی می رود الی دست نماز شویی و ایلچی شیخلار و تمامی شش دانگ قریه قرا داغلو من محال جوانشیر محدود شرقیا به نهر تلک و غربیاً به نهر سیصولان و جنوباً به میان خندق سیصولان و از آنجا مخدراً الی استکی و کوبرایلدرم اوچان شمالاً به راهی که به سهل آباد می رود و از داشلو کیچید مخدراً الی چنار شیخ بابانلو می رسد الی نهر تلک .

و تمامی شش دانگ قریه ایواوغلی من محال کبیرلو محدوده شرقیا به درخت سقز و غربیا به قائر نامی از بالا آسیاب حاجی لازم مخدراً نهرأ اوغولدیکین و از آنجا به باغ لله و از آنجا به بیشه تارقلوها و از آنجا به تل شوملوی کوچک و از آنجا به درخت کرشنها و از آنجا دی کره و درخت سقز پیر.

شمالاً سرش آسیاب حاجی لازم مخدراً به جائی که آرس خان به کارد و از آن جا الی دهنه باغ و از آنجا به نهر الی فشلاق ایواوغلی و از آنجا می آید از طرف نهر جای زراعت ایواوغلی است و از آنجا الی گره و از آنجا باشی نویوم و از آنجا الی درخت سقز پیر و تمامی ملک و باغات زمین داروغلو محدوده شرقیاً به خدیرو

و غربیاً به شارع عام که می رود به مقبره قرا آغاجی الی داشلوتیه و جنوباً به باغ عالیجه کریم آقا و شمالاً از داشلو تیه مخدراً الی نهر مذکور و تمامی و یک قطعه باغ مشجره بکرومه واحقه در قریه شللو محدود شرقیاً به باغ میرزا علی بیگ و مشهدی عاشور شللو غربیاً به باغ محرم ولد دلاک و امام قلی ولد الله قلی و جنوباً به جاده بزرگ و شمالاً به باغ حسن آقا ابن سلیمان خان و باقی موقوفات مسجدین در ضمن وقفنامه اصل کتابچه های آن به تفصیل و شروط مرقوم است که متولیها و مومنین ولایت به ملاحظه اینها عمل نمایند.

الواقفه کبیر نیازمند بوی حضرت زهرا بانوی بی همنا جناب مستطاب اصالت و جلالت نصاب سعادت و شرافت اکتساب، حقایق و دقایق آداب یگانه گوهر درج است و جلال حضرت مریم سیرت، آسیه اسوت، خدیجه طینت، بلقیس عصر سرکار گوهر آغا صبیه خان خانان سعید فردوس مکان ابراهیم خلیل خان جوانشیر ملتمس الدعای من عموم

المومنین لاسیما من العلما والذاکرین الواردين علی قلعه الشوشی هرکس به موقوفات مزبوره دست ظلم دراز کند الهی به لعنت ابدی خدا و اولیای خدا گرفتار آید. علی العنه الله علی القوم الظالمین
تحریرا فی غره شهر^۱

کتیبه دوم همانند کتیبه اول دارای هفده خط و در هر خط دارای بیست کلمه می باشد. چگونگی خرج کرد املاک موقوفه را دقیقاً توضیح داده که به دلیل این که در داخل مسجد نور کافی نبود از روی عکس فقط بخشی از آن که درست خوانده شده ذکر می شود:

مداخل املاک موقوفه را هر ساله ثلاثه قسمت کرده یک ثلث سال به سال نقد نموده به دست امینی بسپارند که همیشه در معامله بوده و برای مسجدین و مدرستین تنخواه باشد و این طریقه را مدتی مستمر نمایند و انشاءالله به قدر مخارج کل مسجدین و مدرستین وجه جمع موجود بشود که خدا نکرده در صورت انهدام مسجدین مدرستین با الکیه متولیها بتوانند مجدداً آنها را تعمیر نمایند و بعد از حصول و اکمال وجه مزبوره ثلثه در مصارف آتیه به مصرف رسانند و در مصرف دو ثلث باقی:

اول متولیهها خرج تعمیر و مرمت کاری حالیه و استقبالیه مسجدین و مدرستین و بعد از آن وجه روشنایی مسجدین حجرات مدرستین در شبها به قدر اقتضای وقت و وجه ذغال حجرات مدرستین را در فصل زمستان و اواخر فصل خریف و موجب دو نفر نمودن در مسجدین

و موجب دو نفر خادم مواظب خدمت مسجدین و مدرستین
و حق السعی متولیههای سابق الذکر که همیشه در فیصل دادن امورات زحمت می کشند و خروج هیئت های محرم برای ابا عبدالله الحسین در مسجدین و صحن آنها به قدر اقتضای وقت می شود خرج آن را صلاح می دانند^۲

مسجد گوهریه دارای دو گنبد بلند منقش که در بالای گنبدها جایی برای موزنین به صورت بسیار جالب درست شده است. تحت تاثیر تثلیث مسیحی این مسجد دارای سه درب ورودی می باشد که درب وسط بزرگتر و بالای آن در یک کتیبه نوشته

۱. متأسفانه از ذکر سال در کتیبه خودداری شده است.

۲. این دو کتیبه بزرگ فارسی به دلیل واقع شدن در درون مسجد خوشبختانه در جنگ قراباغ آسیب ندیده است.

شده ((بداله فوق ایدیههم)) و در کتیبه سمت چپ آمده ((الله محمد فاطمه علی حسن حسین)) و در پائین این دو کتیبه آیه ای از قرآن آمده است.

در بالای درب سمت راست حدیثی از پیامبر اسلام در روی کتیبه آمده و در بالای درب سمت چپ حدیثی از امام صادق (ع) نوشته شده است. تعمیر سوم این مسجد توسط کربلایی صفی خان معمار قراباغی در سال ۱۳۰۱ قمری صورت گرفته است. محققین ارمنی و روسی با تبدیل تاریخ این تعمیر به میلادی سال تأسیس آنرا ۱۸۸۳ میلادی نوشته اند.^۱ تابلویی به زبان ارمنی در دیوار مسجد نصب شده بود که با تاسی به منابع روسی و ارمنی سال ساخت مسجد در سال ۱۸۸۳ نشان می داد. به مدیر موزه شوشی آقای آرشوت هاروت یونیان تذکر دادم که ساخت این مسجد حداقل باید دوره پناه خان باشد که قرار شد تاریخ آن را حداقل صد سال به عقب برگردانند. یک سازمان ایرانی غیر متخصص در تاریخ منطقه هم ظاهراً پیگیر کار مرمت و نگه داری این مسجد می باشم. متأسفانه کند و کاو برای پیدا کردن مسجد دیگر گوهریه و دو مدرسه علوم دینی گوهریه نتیجه ای در بر نداشت.

قبرستان ایرانیها

در خارج از دیوارهای عظیم شوشی در شمال، قبرستان وسیعی از ایرانیان مدفون وجود دارد که چشم هر بیننده ایران دوستی را خیره می کند. در ابتدا، قبرستان خانوادگی بهمن میرزا^۲ فرزند عباس میرزا قرار دارد که چهار دیوار بدون سقف با یک ورودی بدون درب دیده می شود که چند نفر افراد شناخته شده در آن دفن شده اند:

۱. رضا قلی میرزا فرزند بهمن میرزا در روز سه شنبه چهار ماه ذیقعده ۱۳۱۱ مطابق با بیست و ششم ماه آوریل ۱۸۹۴ در سن ۵۷ سالگی.

۱. شاگن مگرچیان، تاریخ معماری قراباغ کوهستانی (یروان: انتشارات پابراکان، ۱۹۸۹)، ص ۳۳۷. (به زبان روسی).

۲. جهت اطلاع بیشتر درباره بهمن میرزا و فرزندان وی نک: بهمن میرزا، شکر نامه شاهنشاهی، به کوشش حسین احمدی (تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، ۱۳۸۴).

۲. ابراهیم میرزا فرزند رضا قلی میرزا در روز سه شنبه بیست و هشتم رمضان المبارک ۱۳۰۴ برابر با نهم ایون^۱ ۱۸۸۷ در سن دوازده سالگی.
۳. رکن الدین میرزا فرزند رضا قلی میرزا در روز چهارشنبه دوم ربیع الثانی ۱۳۱۶ مطابق با اکتبر ۱۸۸۸.
۴. مرواید خانم زوجه بهمن میرزا و دختر میر مصطفی خان تالش در دوازدهم جمادی الاول ۱۳۲۹.

۵. رضا بیگ والد مرحوم محمد صادق بیگ در بیست و سیم رمضان ۱۳۳۳.

در بالای سنگ قبرها نوشته ها با آیه یا حدیث شروع و سپس چند بیت شعر و با ادبیات بسیار زیبای فارسی اسم شخص، نام پدر وی و در انتها تاریخ دقیق فوت افراد به قمری و روسی ذکر شده است. به عنوان نمونه روی سنگ قبر ابراهیم میرزا فرزند رضا قلی میرزا چنین آمده است.

هوالحی الذی لایموت

زمرگت عمر من شد تیره و تار بسوزد تا قیامت این دل زار

ز بهر جسم تو اینک مزاری بسازم دور او گردم چون پرگار

یگانه گوهر ...^۲ عظمت سلطنت شاهزاده نوجوان ناکام ابراهیم میرزا ابن نواب

مستطاب الاشاهزاده غنارال رضا قلی میرزا بن بهمن میرزای قاجار است.

یوم سه شنبه بیست و هشتم رمضان المبارک ۱۳۰۴ هجری مطابق نهم ایون

روسی ۱۸۸۷ در سن دوازده سالگی روح پرفتوحش به سوی جنان خرامیدن گرفت.

پس از قبرستان خانوادگی بهمن میرزا ، دو محوطه بسیار وسیع از سنگ قبر

ایرانیان با اندک تفاوتی از هم قرار دارد . محوطه اول که قدیمی تر است با همان سبک و

سیاق قبرهای خانوادگی بهمن میرزا می باشد ولی محوطه دوم که به سوی ارتفاعات

پیش می رود تحت تاثیر قبرهای مسیحی می باشد و از دو سنگ ایستاده و خوابیده

تشکیل که در روی سنگ قبر عمودی مشخصات دقیق فرد نوشته شده و در روی سنگ

قبر افقی - که کمی بزرگتر است - ابیاتی از شعر فارسی و در تعداد اندکی نیز ابیات

۱. ایون در تقویم روسی به ماه ژوئن گفته می شود . جهت اطلاع از ماههای روسی، کرجی، ارمنی و ... نک : حسین

احمدی، تحولات منطقه ای ؛ ویژه قفقاز، تهران ؛ موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۵.

۲. یک کلمه خوانده نشد.

ترکی با الفبای فارسی آمده است. در میان قبور موجود سنگ قبر میرزا جمال جوانشیر قراباغی مولف کتاب تاریخ قراباغ و وزیر ابراهیم خلیل خان جوانشیر جلب توجه می‌کند. در روی سنگ قبر وی چنین آمده است:

سپهر را سپری شد کردن جمال کمال که زیر خاک فرود برد سر کمال جمال
وزیر عالم عادل پسر دانشمند جهان جور و کرم آفتاب جاه و جلال
رسید میان وفاتش به گوشم از ملکوت که با رحمت یزدان به روح میرزا جمال
هوالمرقدالمرحوم میرزا جمال ۱۲۶۸

بانگاهی به تاریخ سنگ قبرها، از اوایل قرن بیستم تعداد قبور به شدت رو به کاهش می‌گذارد گرچه جنگ قراباغ قبرستان ایرانیان را بی نصیب نگذاشته ولی پژوهشگران متخصص با تعمق کافی در این سنگ قبرها می‌توانند یافته‌های خواندنی داشته باشند.

مسجد حسن خان

این مسجد در قسمت شرقی شهر شوشی قرار گرفته است. از کتیبه فارسی مسجد که به مانند مسجد گوهریه در اثر گلوله چندین کلمه از بین رفته معلوم می‌شود که در سال ۱۲۵۵ قمری توسط سردار حسن خان ساخته شده و همانند مسجد گوهریه به وسیله کربلائی حسن خان معمار قراباغی در سال ۱۲۹۱ ق تعمیر و مرمت شده است. مسجد حسن خان دارای چهار ستون در ایوان است که دو ستون آن دیده می‌شود و دو ستون در دل دیوار است. دو اتاقک ۳×۳ در دو طرف ایوان که در داخل هر اتاقک سه طاقچه روبروی هم قرار گرفته است و یک طاقچه نیز در پشت قرار دارد. یک درب ورودی برای هر اتاقک از حیاط و یک درب ورودی از ایوان مسجد با ارتفاع ۱۹۵ سانتی متری دیده می‌شود. اتاقکهای طبقه دوم بر روی اتاقکهای طبقه اول به اندازه ۲/۵×۳ دارای دو طاقچه غربی و شرقی می‌باشد درب ورودی مسجد تحت تاثیر تئلیث مسیحی که شامل یک درب بزرگ و دو درب کوچک در دو طرف درب بزرگ است. مسجد دارای سه محراب یک محراب بزرگ دو محراب کوچکتر در طرفین می‌باشد. در دیوارهای شرق و غرب مسجد دوازده پنجره وجود دارد که شش پنجره در دیوار

شرقی و شش پنجره ديگر در ديوار غربی قرار دارد. در هر کدام از ديوارهای شرقی و غربی، سه پنجره در طبقه همکف و سه تاي ديگر در طبقه دوم قرار دارد. پنجره های طبقه همکف با نرده های فلزی بسيار محکم- که حکايت از نا امنی دارد - از بیرون پوشش داده شده است. دو طرف محراب نیز دو پنجره وجود دارد. سقف مسجد دارای نه گنبد و بر روی چهار ستون قرار دارد. یکی گنبد مرکزی بزرگ در وسط مسجد و هشت گنبد کوچک در اطراف گنبد اصلی قرار دارد. برای ورود به طبقه دوم و پشت بام مسجد در ابتدای ديوارهای شرق و غرب از هر طرف راه پله هایی کم عرض تعبیه شده است. همانند مسجد گوهریه طبقه دوم و محدود مسجد دو متری از ديوارهای شرقی و غربی و شمالی به جلو آمده است که ظاهراً برای حضور خانمها فراهم شده بود. دو گنبد بسیار بزرگ در پشت بام مسجد که طرفین محرابهای مسجد قرار دارد با آجر قرمز ساخته شده و اسم متبرکه ((الله)) با آجرهای سفید هفت دور مورب دو گنبدها بالا رفته است. در قسمت بالایی گنبد و در پائین محل ایستادن مؤذن عبارت ((لا اله الا الله)) با آجر سفید به شکلی بسیار زیبایی ساخته شده است.

برای رفتن مؤذن یا مؤذنین به بالای گنبد، در انتهای ديوارهای شرقی و غربی راه پله هایی تعبیه شده می رساند. در کنار راه پله ها به سمت بالا منفضههایی برای ورود هوا تعبیه شده است. برای ایستادن و گردش مؤذنین در بالای دو گنبد به عرض تقریباً دو متر مکانی درست شده است. این مکان به وسیله هشت پایه چوبی کف و سقف را به هم متصل می کند. این مکان با کف چوبی و سقف حلبی ساخته شده است. حیاط شرقی مسجد بسیار وسیع و در حدود 5×10 متر می باشد. حیاط شمالی مسجد هم بسیار وسیع و پر از گیاهان بسیار بلند و متراکم است. برای رفتن به داخل مسجد ناچار حدود نیم ساعت با این گیاهان بزرگ دست و پنجه نرم کردیم تا توانستیم اجازه عبور بگیریم. در حیاط جنوبی مسجد وضوخانه وجود دارد که آب از لابلاي سوراخهایی که در دل سنگها تعبیه شده به بیرون می ریخت، اما امروز اثری از آب نیست.

مسجد زنانه

با خواندن کتیبه فارسی مسجد معلوم می شود که مهنساء بیگم بنت شیرخان این مسجد را برای استفاده خانمها ساخته و خانم طوبی بیگم دختر ابره خان در اول محرم ۱۳۱۱ آن را تعمیر کرده است. ((وقف مخلص شرعی نموده مهر نساییگم بنت شیرخان این جای زنانه مسجد را که تعزیه امام علیه السلام جمع شوند . باعث تعمیر گشت طوبی بیگم بنت ابره خان . غزه شهر محرم ۱۳۱۱))

در طبقه همکف چهار اتاق کاملاً مجزا و هر کدام دارای درب ورودی جداگانه از شرق دارند. اتاق اول که مهمتر و در جنوب قرار داشت به عرض و طول 5×5 که در ورودی آن به شکل طاق مانند است. سه اتاق دیگر هر کدام به طول و عرض 3×5 می باشند. حیاط این مسجد $1/5$ برابر مسجد می باشد. در طبقه بالای این اتاقها مسجد واقع شده که دارای یک محراب است. در قسمت شرقی شش طاق وجود دارد که طاقهای دوم و پنجم آن بزرگتر می باشد در این طاقها نقش و نگار شده، نور وارد مسجد می شد. در قسمت غربی مسجد پنج طاق به طول و عرض 120×195 دیده می شود. پس از جنگ قراباغ بعضی از دیوارهای این مسجد هنوز مانده است.

سقاخانه ها

به دلیل کمبود آب در شوشی سقاخانه های متعددی در قسمت های شهر قی شهر تعبیه شده است . همه آنها از طول و عرض $2/5 \times 2/5$ و کف سنگی تشکیل شده است. سقف سقاخانه ها از سنگ یا حلبی ساخته شده است. از داخل سنگها سوراخهایی تعبیه شده که از آن آب فوران می کرد. در بعضی از این سقاخانه ها بعداً شیر گذاشته شد. همه این سقاخانه ها دارای کتیبه می باشد که در آن ابیاتی از شعر فارسی دیده می شود. در کتیبه سقاخانه ای که توسط مشهدی مینا خانم دختر احمد بیگ دوره سلطنت مظفرالدین شاه قاجار در ششم جمادی الاول ۱۳۱۸ ساخته شده چنین آمده است:

به درگاه لطف تو ای پادشاه	نیاورده ام تحفه گوهر کنا
ذلیلیم به سوی خویش را هم بده	دخیلیم ز لطف پناهم بده
گر به ما گری ببین زآریم	رحیما رحیمی بکن یاریم

بیخشا خدایا گناهان من
بانی تعمیر این چشمه رحمت

به خیر النساء حسین و حسن
مشهدی مینای خانم صبیحه احمد بیگ
ششم جمادی الاول ۱۳۱۸

کاروانسرا

در آن طرف خیابان مسجد گوهریه، کاروانسرائی دو طبقه با ساختمانی بسیار مستحکم و اتاقهای متعدد در طبقه پائین و بالا و دارای حیاط بسیار بزرگ که بر روی آن چهار کتیبه که یکی از آنها بزرگتر می باشد به فارسی وجود دارد که خوشبختانه جنگ قراباغ به این کتیبه ها صدمه ای نزده است. با خواندن متن کتیبه ها معلوم می شود که مشهدی حسین بن شهیدی میرسیاف املاک و مغازه ها و کاروانسر را در سال ۱۳۰۶ ق وقف مسجد اقصی^۱ کرده است. املاک و مغازه های نام برده شده در کتیبه در کنار کاروانسرا قرار داشت که به آن شیطان بازار می گفتند که البته دیوارهای این بازار به شکل کلی وجود دارد. نظر به اهمیت این کتیبه که به احتمال قریب به یقین اولین بار در ایران بازخوانی می شود عیناً نقل می آید:

وقف مؤید شرعی نمود جناب مستطاب مشهدی حسین بن شهید میرسیاف املاک و دکاکنی که در ذیل ترقیم یافته به مسجد خود واقف تعمیر نموده و آن را مسجد اقصی مسمی کرده اند:

اولاً تمام و همگی یک دست کاروانسرائی که واقع است در مغربی میدان بزرگ مع توابع و لوامق و مضافات و حجراتی که در اندرون کاروانسراست.

و مخارج تکیه دهه اول محرم در هر سال به قرار وقف نامه و در روز جمعه هر هفته تکیه نمایند و چه از متولیهها برای آوردن آب و پل زدن به صلاح جماعت حیدری و نذر و دسته عرب وقا و قاسم اوطاکی یکی را سر مناط هست جزونکه قند و تولیت امورات موقوفات در خود واقف مادام الحیات و مداخله جماعت قراباغ به امور موقوفات و مواظبت ایشان فمن بدله بعد باسمعه فانما اسمعه علی الدین یبدلونه وصیغه شرعیه جاری گردید و وقفاً و

۱. متاسفانه آثاری از مسجد فوق دیده نشد.

سرعتاً حرم علی و ارجاعی تحتانی و فوقانی متضمن به دوکاکینی که در بیرون کاروانسرا است .

از طرف شمال چهار باب علاوه در سربازار طرف کلیسای روس نصف پانزده باب دکاکینی که باقر ولد حاجی صادق شراکت دارند.

و نصف سرباب دکان شمالی قصابخانه به شرکتی قرای مذکور همین کاروانسرا و دکاکینی که مشخص گردید بالکلیه واقف مذکور وقف صحیح شرعی نمود. به اقصای خودشان و دستورالعمل مخارج و قوانین آن متولیهها مداخلاتی که از املاک جمع خواهد گشت آن را به سه قسم باید نمود: ثلث اول می باید که همه اوقات در تزدید در معامله شرعی باشد.

خدانکرده مسجد اقصای حسینیه منهدم شود از آن نقد اندوخته تجدید توان نمود. دو ثلث آخر را مصارف فرمایند.

به قراری که در هر یک سال مواجب متولی موقوفات یکصد مناط بود متولیهها در هر سال به ملایی که در مسجد حسینیه هر روز نماز جماعت خواهد گذارد وظیفه قرار پنجاه مناط دهند و به یک نفر موذن و یک نفر مجاور هر یک را در سالی چهل مناط و به یک نفر روضه خوان بیست و پنج مناط و در هر ماه محرم به هر محله پنج پوط نفت سیاه و سه مناط نقد و در هر سال به سه نفر اول پیاده از پانزده تا بیست مناط و امواتی که از اهل استحقاق باشد از غربا و غیره به جهت تجهیز و تدفین نمایند و در وقت گرانی به فقرای شهر از سیصد مناط تا پانصد مناطق آرد و گندم و یا نان قسمت نمایند و چهار نفر عیال واقف را بدهند در هر سالی پانصد و سی مناط نسلأ بعد نسل به قرار قسط و خرج تجهیز و تکفین ایضا واقف را پانصد مناط و برای حج بلد واقف از پانصد تا هفت صد مناط و اداء دیدن واقف از موقوفات بعد از انتقال هر قدر که باشد و در شب جمعه هر هفته سه مناط به سی فقرای شهر.

نکات قابل توجه

- ساختمانی دارای کتیبه فارسی که به نظر می‌رسد مکتب خانه باشد در سال ۱۲۰۵ ق افتتاح شده و در کتیبه آمده است:

((هوالمبارک گمشاد باشد به دست دولت درگاه، به حق اشهد ان لاله الا الله در تاریخ ۱۲۰۵)).

- خانه اسدالله بیگ فرزند رستم بیگ و نوه ابراهیم خلیل خان جوانشیر در سال ۱۲۶۹ ق ساخته شده است. این ساختمان چون در جنگ قراباغ صدمه ندیده مورد استفاده یک اداره ارمی می باشد که به همین دلیل امکان بازدید میسر نشد. سر درب ورودی ساختمان دارای کتیبه فارسی می باشد. - خانه یکی از فرزندان ابراهیم خلیل خان جوانشیر در سال ۱۲۷۷ ساخته شده است. این ساختمان دو طبقه بسیار بزرگ دارای اتاقهای متعدد و سالنهای بسیار بزرگ پذیرایی و زیرزمینهای بسیار خوب می باشد. در ساخت سقف این خانه به صورت گسترده از چوب استفاده شده و در کتیبه نصب شده و در سر درب چنین نوشته شده است:

- ((بسم الله الرحمن الرحيم بانی این بنای دلپذیر و صاحب این عمارت مبارکه مجدت و جلالت بنیانان کریم ... سرو عدیل ... فرزند مرحوم ابراهیم بگ جوانشیر ۱۲۷۷))

- منزل محمد حسن آقا فرزند ابراهیم خلیل خان جوانشیر که در نزدیکترین نقطه شمالی به دیوار شوشی واقع شده است. این ساختمان نیمه مخروبه بسیار بزرگ دارای اتاقها، سالنهای پذیرایی و زیرزمین های متعدد است. در حیاط پشت دیوار دارای استخر و اتاقکهایی برای حبس و زندانی کردن افراد وجود دارد. در ساخت این ساختمان به ویژه در سقف آن به صورت گسترده از تیرگهای بزرگ چوبی استفاده شده است. این ساختمان همانند خانه های شمال ایران دارای سقف چلبی می باشد.

آقا محمدخان قاجار که در بهار سال ۱۲۱۱ ق پس از فرار ابراهیم خلیل خان جوانشیر به جاز و بلکان، قلعه شوشی را تصرف کرد در این ساختمان مستقر شد و بسیاری از نزدیکان ابراهیم خلیل خان حاکم شوشی را مثل وزیرش ملاپناه واقف، ملک جمشید ارمی و دیگران را برای بازجویی در آن زندانی کرد. آقا محمدخان قاجار تا روز قتلش در همین خانه منزل گزید و در همین ساختمان توسط دو تن از خدمتکارانش به قتل رسید.

- زایشگاهی با عنوان ((ماماخانه)) توسط مرحوم مشهدی حسین مرنندی در سال ۱۳۵۰ ق در قسمت شرقی شوشی ساخته شده است. این زایشگاه در اثر فرو ریختن سقف بر اثر جنگ قراباغ و جمع شدن خاک و خاشاک پشت درب، تنها راه ورودی اش مسدود شده بود. ولی کتیبه کوچک فارسی آن کاملاً سالم مانده بود.

- موره عزیز حاجی یگف موسیقیدان آذری که ساختمان آن در اثر جنگ تقریباً ویران شده از دو طبقه تشکیل یافته است. دارای اتاقها و سالنهای متعدد در طبقه پائین و بالا از دو طرف شرقی و غربی راه پله هایی برای ورود به طبقه بالا وجود دارد. دارای ستونها و پنجره های بزرگ.

- تنها ساختمان دارای کتیبه ترکی با الفبای کریل متعلق به خورشید بانو ناتوان است که در جنب خانه محمد حسن آقا پسر بزرگ ابراهیم خلیل خان جوانشیر و در کنار دروازه اصلی شهر شوشی

۱. یک کلمه خوانده نشد.

۲. یک کلمه خوانده نشد.

قرار دارد که در آن کتیبه چنین نوشته شده است: در این عصر عقلی و مدنی آذربایجان خورشید بانو ناتوان در این خانه می‌زیست ۱۸۹۷-۱۸۳۰. این کتیبه باید قاعدتاً در آخرین سالهای قرن نوزدهم اوایل قرن بیستم نوشته و نصب شده باشد.

- در روبروی هنرکده ناگارتی خانه اشرافی مخروبه ای که درب ورودی حیاط آن سالم مانده که در بالای درب کتیبه ای با آیه ((و ان یکادالذین کفرو... و در کنار آن کتیبه ای به سال ۱۲۶۸ ق که نشان سال ساخته شدن ساختمان می باشد، وجود دارد. عمارت بسیار بزرگ با گچ بریها و منبت کاریهای بسیار عالی ولی مخروبه در اثر جنگ قراباغ متعلق به حاجی محمدقلی بن مشهدی علی قراباغی که در سال ۱۲۷۰ ق بنا شده است. عین کتیبه فارسی آن در سر درب چنین است:

((عمارت بی نظیر عمده الاعیان واکابر مخرالحاج و المعتمدین حاجی محمدقلی بن مشهدی علی قراباغیست. تاریخ شهر صفر فی سند ۱۲۷۰

- حمام بسیار بزرگ مشهدی عباد: برای خواص و عوام درب ورودی، خزینه ها و حوضهای جداگانه دارد. به علت تاریکی مطلق و نبودن روشنایی در داخل حمام امکان بازدید دقیق فراهم نشد.

- کلیسای آمانپرگیج در خیابان یروان شوشی که در سال ۱۸۵۵ ساخته شده و در سال ۱۹۹۸ تعمیر شده است. قبل از ورود به کلیسا عکس دو تن از حواریون قرار دارد که عکسها بیشتر تحت تاثیر آئین کاتولیکی است. در تمام کلیساهای ارمنی انعکاس صدا وجود دارد ولی کمتر کلیسایی مثل آنا پرگیج کنسرت اجرا می شود.

- ساختمان چاپخانه در خیابان یروان شوشی به سال ۱۸۳۲ توسط روسها در دو طبقه ساخته شده است دارای اتاقهای متعدد که بیشتر ۳×۴ با یک در ورودی بزرگ از داخل حیاط راهی به سوی دو سالن بزرگ که تقریباً در زیرزمین قرار دارد. سالنها تقریباً به طول و عرض ۱۰×۵ درب های ورودی و خروجی با عرض ۱۲۰ سانتی‌متر و طول دو متر و یک پنجره نیز با طول و عرض ۱۹۰×۱۰۰ سانتی متر. سالن بزرگتر دارای دو ورودی و دو پنجره با پنج هواکش متمایز از سالن کوچکتر است. یک چاه عمیق نیز در وسط حیاط این ساختمان وجود دارد.

- وجود کتیبه های فراوان به فارسی، هزاران سنگ قبری نوشته شده به فارسی، مساجد و خانه های ساخته شده به سبک ایرانی، مشاهده اسامی اشخاص در گذشته از شهرهای ایرانی و ... همه حکایت از تسلط فرهنگ ایرانی و اسلامی بر این شهر دارد.



پڙو بهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی